info@payamdaily.in

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام

شماره ۲۶۱۱
چهارشنبه ۴/ مهر/ ۱۴۰۳
۲۱/ ربیع الاول/ ۱۴۴۶
25/ September/ 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان قدسه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ناهید حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۳، ۰۲۶- فکس: ۳۲۵۴۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارتقایی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

گفتم این جام جهان‌بین به تو کی داد حکیم؟
گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد
بی‌دلی در همه احوال خدا با او بود
او نمی‌دیدش و از دور خدا را می‌کرد



هر کس به هر گروهی دارد امید چیزی
ما را امید گاهی غیر از خدا نباشد

عبید زاکانی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۳۲	۰۵:۵۷	۱۱:۵۸	۱۷:۵۶	۱۸:۱۴

برگه

بزرگترین خشونت‌های زندگی زمانی به دست می‌آید که انسان بداند در راستای باورهای راستین خود، رفتار کرده است..

آنتونی رابینز

اشاره

پشت پرده حیوانات زیبای شهر!

خیلی تفاوتی با آرایشگاه‌های معمولی ندارد؛ یک سالن انتظار کوچک و جمع‌وجور، یک میز منشی و اتاق‌هایی مجزا که هر کدام برای کاری اختصاص یافته‌اند. یکی اتاق واکسن، یکی اتاقی برای کوتاهی مو و دیگری هم برای شست‌وشو و خشک کردن. با یاد سئوال که آخرین مرحله از پروسه زیبایی این زیان‌دیدگان از هم‌جایی خبر است؛ موجودی که شاید اگر آزاد و رها در طبیعت بودند، به هیچ‌کدام از این اعمال شاقه نیاز نداشتند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام جم، سرشان آن‌قدر شلوغ است که بدون نوبت کسی را نمی‌پذیرند. همه کسانی که حیوان‌های خانگی‌شان را بغل کرده‌اند و در آرایشگاه منتظر نشسته‌اند، حداقل از ۲ ــ ۲ روز قبل زنگ زده‌اند. وقت گرفته‌اند و با یک برنامه‌ریزی کاملاً مشخص اینجا هستند. آدم‌هایی که وقتی حدود۲ ــ ۲ ساعته را برای آرایشگاه بردن حیوان خانگی‌شان، در میان برنامه روزگذشان خالی کرده‌اند.

عروسکی یا ساده؟

«از ۴۰۰هزار تومان تا یکمیلیون!» این حدود قیمت کوتاهی و مرتب کردن موهای سگ کوچک سفیدش است که تقریبا هر دوماه یکبار باید ببرداز. «اگر قرار به کوتاهی ساده با ماشین باشد، همان ۴۰۰هزار تومان می‌شود اما اگر مدل خاصی باشد و با قیچی کوتاه شود و اصطلاحا عروسکی اصلاح و بعد از آن هم شسته و سشوار کشیده تحویل داده شود؛ مبلغ پرداختی به یکمیلیون یا کمی بیشتر از آن هم می‌رسد.» اینها را مشتری ثابت یکی از همین آرایشگاه‌های حیوانات می‌گوید که بدون استثنا، هر دوماه یکبار و حتی چند روز زودتر از رسیدن ماه دوم، سگش را به آرایشگاه می‌آورد و آن را به خانم آرایشگر می‌سپارد تا سگی پشمالو بدهد و سگی با موهای چتری یا حتی در برخی مواقع و شاید وقت مهمانی، با موهایی گل‌سرزده تحویل بگیرد.

راحتی؟ زیبایی؟ یا سلامتی؟ مسأله این است؟

همه حرف و شاید توجیه‌شان برای راضی‌نگاه‌داشتن جریانی بنام آرایشگاه حیوانات و وقت‌گذاشتن و هزینه کردن برای چنین موضوعی، به نظافت شخصی حیوان برمی‌گردد. به این که اگر موهای سر و صورت و بدن‌شان در طولانی‌مدت کوتاه و مرتب نشود، آلوده‌گی‌هایی به‌وجود آید که می‌تواند حیوان را گرفتار کند. پس این سگ‌ها و گربه‌های پولدرد خیابانی که کسی ماه‌ها نامه و سال تا سال موهایشان را کوتاه نمی‌کند چطور روزگار می‌گذرانند؟! این سوالی بود که از یکی از متنظران داخل آرایشگاه پرسیدیم: «همین است که اگر دقت کنید، می‌بینید سگ‌های پولدرد و بدون صاحب، اکثرا آلوده‌گی‌هایی به تن و بدن‌شان چسبیده و حتی در برخی مواقع، نوعی بیماری پوستی به تنه جرب دارند.» اما برخلاف تصور، انگار این در طبیعت رها بودن‌شان، باعث می‌شود که با کمی تکاندن و خاردن و حتی آببازی خارجی‌شان در جوی آب و رودخانه و... تمیز شوند و دیگر نیازی به عروسکی کوتاه‌کردن موهایشان نباشد.

زندگی‌شان را تغییر داده‌یم زندگی‌مان تغییر می‌کند!

ما آکوسیستم این حیوانات را دچار تغییر کرده‌ایم و بدون شک، این تغییر آکوسیستم، نیاز به رسیدگی‌های فراتر از زندگی‌های عادی و روزمره ما دارد. پرنده‌ای که باید پرواز کند و سگی که باید رها باشد و گربه‌ای که باید در فضای باز بازی کند را در واحد خانه‌هایی ۷۰ ــ ۶۰ متری کرده‌ایم که برای زندگی ما ساخته شده است نه این حیوانات. برای همین است که وقت و نوبت آرایشگاه حیوانات می‌گیریم تا خانم یا آقای آرایشگر، پر پرنده‌مان را کوتاه کند که نکند زیاد دیوید و در لوستر خانه‌مان گیر بیفتد، موهای تن سگ‌مان را کوتاه می‌کنیم که نکند الوده باشد و آن را به خانه و زندگی ما هم انتقال دهد. وقتی نژاد سگ هاسکی را به خانه می‌آوریم، معلوم است که وقتی خانه نیستیم هم باید کولر گازی را روشن بگذاریم تا این سگ که در حالت عادی باید در مناطق سردسیر زندگی کند، گرمش نشود و بتواند با سرمای حداقلی محیط زندگی کند. معلوم است باید برنده را به آرایشگاه ببریم تا ناخن‌هایش را بگیریم تا بتواند حرکت متعادلی داشته باشد و آلودگی در زیر ناخن‌هایش جمع نشود؛ درصورتی که اگر این پرنده در طبیعت رها باشد، با از این شاخه به آن شاخه پریدن، ناخن‌هایش بطور طبیعی ساییده می‌شود و نیازبه هیچ آرایشگر وناخن گیر و سوهانی برای ناخن‌هایش نیست. برای هم‌همین تغییردادن آکوسیستم زندگی حیوانات است که طبیعتا برخی از رسیدگی‌ها برای سلامت حیوان و سلامت انسان‌هایی که با آن حیوان زندگی می‌کنند لازم است، اما عروسکی کوتاه‌کردن، جزیی گذاشتن، سشوارکشیدن، گل‌سرزدن و... از آن دست رفتارهایی است که دیگر نه به سلامت حیوان و انسان ربط دارد و نه حقوق حیوانات؛ تنها یکسری رفتارهای اشراف‌گونه و غریبی است که احتمالا ما را از هدف یک زندگی درست و سالم دور می‌کند.

تلفیقی از سنت و مدرنیته!

قریب‌به‌اتفاق جامعه‌شناسان معتقدند بسیاری از پدیده‌هایی که امروز تحت عنوان غریزه‌گی یا دستاوردهای مدرنیته و تکنولوژی از آن حرف می‌زنیم، آورده سبک زندگی‌هایی است که خودمان برای خودمان درست کرده‌ایم و حالا باید به نحوی، آن را برای خودمان قابل تحمل کنیم؛ موضوعی که دغدغه‌شیخی جامعه‌شناس هم آن را تائید می‌کند. می‌گوید: «مثلا در قدیم آن قدر خودها را بحلوز دستجمعی با هم زندگی می‌کردند و آن قدر براحتی به محیط‌های باز اطراف دسترسی داشتند و با حیوانات ارتباط برقرار می‌کردند که هیچوقت احساس تنهایی نمی‌کردند. به‌واقع شیخی معتقد است این احساس تنهایی و رخوتی که در بخش قابل توجهی از جامعه گسترده شده است باعث می‌شود آدم‌ها به زندگی مسالمت‌آمیز با حیوانات روی بیاورند. «و خب خودشان را در برابر این موجود مسئول می‌دانند در برابر همه نیازهای ضروری و حتی گاهی غیرضروری» به نظر می‌رسد برای پیدا کردن پاسخ این که چرا باید یک سگ را به آرایشگاه ببریم و بهتبدیل زیبایی‌اش بشمریم، ابتدا به نیاز ارتباطات سالم و رفع تنهایی پاسخ بدهیم؛ آن وقت است که چنین موضوعی هم به مرور و خودبه‌خود پاک خواهد شد.

گزارش روز

پاتک به بی‌بی



دلیل عصابیت و عصبان صهیونیست‌ها طی روزهای اخیر، گرفتاری در همین بازی هوشمندانه و قدرتمندانه مقاومت لبنان است. شهروند لبنانی در حملات هوایی وحشیانه صهیونیست‌ها، نقطه آشکارساز تروریسم ترکیبی صهیونیست‌ها در مواجهه با سرزمین سروها محسوب می‌شود. بدیهی است بیشتر تحلیلگران حوزه‌ روابط‌بین‌الملل، اکثر تحولات جاری در جنوب لبنان را از یک زاویه دید روایت و تفسیر می‌کنند.

لذا هدف از حملات مکرر (آن هم با تنوع سایری، میدانی، روانی و امنیتی)، تمرکز زدایی از فرانتن و چارچوب راهبردی و استراتژیک است که جنایات صهیونیست‌ها در آن رخ می‌دهد بنابراین نخستین و مهم‌ترین گام در تحلیل حوادث اخیر، چینش ثوابت راهبردی و میدانی ماجرا در کنار یکدیگر و تمرکز بر مدل و چارچوبی است که عملیات‌های وحشیانه اخیر و آتی صهیونیست‌ها در بطن آن تعریف می‌شود. در این باره، مولفه‌های سه‌گانه‌ای وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد.

علت اقدامات اخیر صهیونیست‌ها در لبنان

معمولا استاد بک بازیکر به جنگ ترکیبی، آن هم در یک بستر زمانی محدود، بازتابی از ضعف یا قوت عملیاتی ـ میدانی است. به عبارتی بهتر، مرز میان کنشگری فعال و واکنش اجباری باید در تحلیل رفتار تل‌آویو مورد توجه قرار گیرد در اینجا باز به طرح سوالی هدفمند وجود دارد؛ آیا جنایات اخیر صهیونیست‌ها منبعث از قدرت تسلط آنها بر میدان بوده یا خروجی شکست آنها در رسیدن به اهداف تعیین‌شده راهبردی و میدانی؟ قطعا گزینه دوم صحیح است. با گذشت یک سال از جنگ غزه، تل‌آویو نه تنها قادر به اشغال کامل نوار غزه، نابودی حماس و آزادی اسرای صهیونیست بدون انعقاد آتش‌بس نشده، بلکه جبهه شمال را نیز از دست داده است. از سوی دیگر، گروه‌های مقاومت یکی پس از دیگری عمق استراتژیک اراضی اشغالی را هدف قرار داده و از خطوط قرمز پررنگی که تا قبل از توفان الاقصی تل‌آویو تصور عبور از آنها را هم نمی‌کرد، به صورت آشکار عبور کرده‌اند.

رویکرد هوشمندانه و قاطعانه حزب‌الله

رویکرد هوشیارانه و قاطع حزب‌الله نه‌تنها در سخنرانی علامه سیدحسن نصرالله، دبیرکل غیور مقاومت اسلامی لبنان نمود پیدا کرد و بلکه خود را در مواجهه میدانی حزب‌الله نمایان ساخته است. تل‌آویو قصد داشته و دارد حزب‌الله را در مقابل ۲ گزینه غیرقابل تغییر قرار دهد: تسلیم مطلق در برابر رژیم صهیونیستی یا آغاز یک جنگ فراگیر و فرسایشی که منجر به تضمین بقای نتانیاهو در سایه تمدید فعالیت «کابینه جنگ» شود. در مقابل، حزب‌الله لبنان جنگ به عملیات خود و برگشت مبدل ساخته و از این طریق، ضمن حفظ فشار میدانی و مستمر بر رژیم صهیونیستی، از قرار گرفتن در دوراهی شود نتیجه این روند، چیزی جز شکست مطلق و غلبی رژیم اشغالگر قدس در برابر جبهه مقاومت نخواهد بود؛ همان حقیقتی که علامه نصرالله و یارانش به آن ایمان دارند. رژیم صهیونیستی هدف خود از حمله به لبنان را بازگرداندن آوارها اعلام کرده بود و با تشدید جنگ و افزایش برد موشک‌های حزب‌الله تا دروازه‌های تل‌آویو، مشخص شد تا اینجای جنگ، اسرائیل از رسیدن به هدف خود، دورتر شده است.

آینده‌نگاری صحنه‌نبرد

حزب‌الله لبنان از یک سو «قصاص رژیم صهیونیستی» را به‌مثابه یک تصمیم و اقدام قطعی در دستور کار قرار خواهد داد و از سوی دیگر، به جای قرار گرفتن در دوراهی «تسلیم ـ جنگ گسترده» در مقابل رژیم اشغالگر قدس، نتانیاهو و تل‌آویو را در دوراهی «شکست در میدان ـ تسلیم در مذاکرات» قرار می‌دهد. دلیل عصبانیت و عصبان صهیونیست‌ها طی روزهای اخیر، گرفتاری در همین بازی هوشمندانه و قدرتمندانه مقاومت لبنان است. در این معادله، ترس و وحشتی که بر شمال اراضی اشغالی مستولی شده به دیگر نقاط اراضی اشغالی از جمله حیفا و عکا نیز تعمیم می‌یابد، بدون آنکه جنگ را در ذیل چارچوب راهبردی منتظر تل‌آویو هدایت کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، رژیم اشغالگر قدس به جنایات گسترده خود در جنوب لبنان ادامه می‌دهد. شهادت صدها شهروند لبنانی در حملات هوایی وحشیانه صهیونیست‌ها، نقطه آشکارساز ترورسیم ترکیبی صهیونیست‌ها در مواجهه با سرزمین سروها محسوب می‌شود. بدیهی است بیشتر تحلیلگران حوزه‌ روابط‌بین‌الملل، اکثر تحولات جاری در جنوب لبنان را از یک زاویه دید روایت و تفسیر می‌کنند.

لذا هدف از حملات مکرر (آن هم با تنوع سایری، میدانی، روانی و امنیتی)، تمرکز زدایی از فرانتن و چارچوب راهبردی و استراتژیک است که جنایات صهیونیست‌ها در آن رخ می‌دهد بنابراین نخستین و مهم‌ترین گام در تحلیل حوادث اخیر، چینش ثوابت راهبردی و میدانی ماجرا در کنار یکدیگر و تمرکز بر مدل چنین شرایطی صهیونیست‌ها از روی استیصال تصمیم به تغییر چارچوب بازی خونین خود در جنگ غزه گرفته‌اند. پررنگ‌سازی جبهه شمال، مبنای چارچوب جدید است. تل‌آویو در این راستا به مدل جنگ ترکیبی رو آورده تا ضمن هدف قرار دادن بقاع، نبطیه و مناطقی از بیروت، از فناوری‌های نوین و تروریسم سایبری نیز در خدمت ترور سیم ذاتی خود استفاده کند.

پیامدهای منطقی و فاقعانه

هم در یک بستر زمانی محدود، بازتابی از ضعف یا قوت عملیاتی ـ میدانی است. به عبارتی بهتر، مرز میان کنشگری فعال و واکنش اجباری باید در تحلیل رفتار تل‌آویو مورد توجه قرار گیرد در اینجا باز به طرح سوالی هدفمند وجود دارد؛ آیا جنایات اخیر صهیونیست‌ها منبعث از قدرت تسلط آنها بر میدان بوده یا خروجی شکست آنها در رسیدن به اهداف تعیین‌شده راهبردی و میدانی؟ قطعا گزینه دوم صحیح است. با گذشت یک سال از جنگ غزه، تل‌آویو نه تنها قادر به اشغال کامل نوار غزه، نابودی حماس و آزادی اسرای صهیونیست بدون انعقاد آتش‌بس نشده، بلکه جبهه شمال را نیز از دست داده است. از سوی دیگر، گروه‌های مقاومت یکی پس از دیگری عمق استراتژیک اراضی اشغالی را هدف قرار داده و از خطوط قرمز پررنگی که تا قبل از توفان الاقصی تل‌آویو تصور عبور از آنها را هم نمی‌کرد، به صورت آشکار عبور کرده‌اند.

مکث

استعداد کشی با برنامه درسی!

وزیر آموزش و پرورش برنامه درسی فعلی مدارس را ناکارآمد و استعدادکش دانست و گفت باید پیوندی میان فعالیت‌های درسی و آموزشی برقرار شود

به گزارش پیام آشنا به نقل از جوان، مسئولان آموزش و پرورش متفق‌القول معتقدند که باید برنامه درسی تغییر کند و یاری‌رسان محصلان برای رسیدن به ایده‌های بهتر باشد.

وزیر آموزش و پرورش برنامه درسی فعلی مدارس را ناکارآمد و استعدادکش دانست و گفت که باید پیوندی میان فعالیت‌های درسی و آموزشی برقرار شود. البته در چند وقت اخیر این موضوع با جملات متفاوت، بارها و بارها از سوی سایر مسئولان نیز شنیده شده، تا جایی که حتی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز به وضعیت نامناسب برنامه درسی در نظام آموزشی اذعان داشته‌اند!

برنامه‌های درسی مهم‌ترین موضوع آموزش و پرورش است و باید اهداف، نظام آموزشی از طریق همین برنامه‌های درسی تحقق پیدا کند به عبارتی نقشه راهی که ما را به اهداف نظام آموزش می‌رساند همین برنامه درسی است، اما نه برنامه‌ای که همه چیز را در کتب و متن‌های مشخصی که در اختیار دانش‌آموزان قرار داده‌است، منحصر کند، بلکه در نظر گرفتن همه فرصت‌های یادگیری و تربیتی که در فضاها و منابع متنوع و تحت هدایت مدرسه اتفاق می‌افتد.

ناکارآمد و استعدادکش

علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در نشستی صمیمانه با کارکنان دانشگاه فرهنگیان با اشاره به اینکه برنامه درسی مدرسه ناکارآمد است، گفت: «برنامه درسی، دانش محور، آموزش‌زده، غیرتربیتی، غیرمهارتی و استعدادکش است، بنابراین با این روش نمی‌توان استعدادها را شناسایی و هدایت کرد.» او ادامه داد: «ضرورت دارد پیوندی میان فعالیت‌های درسی و آموزشی برقرار شود تا از این طریق بتوانیم شکاف میان دانشگاه‌های دانش‌آموزان را با برنامه درسی پر کنیم.»

وزیر آموزش و پرورش به عدم تناسب درسی دانش‌آموزان و انطباق آن با برنامه‌های درسی دانش‌آموزان نیز اشاره کرد و گفت: «باید پژوهش‌های متقنی در این زمینه تهیه شود و باید بررسی کرد که از گذشته تاکنون چه تغییرات کاربردی در محتوای درسی ایجاد شده‌است.»

پرسشی مهم

متأسفانه در نظام آموزشی ما، برنامه درسی را به کتب درسی و ارزیابی آن را نیز به آزمون‌های پایان سال و نمرات تقلیل داده‌ایم در صورتی که اگر دقیق‌تر نگاه کنیم باید گفت فراگیری مهارت‌ها را نیز منتظر قرار دهیم و با سنجه‌های دیگری به جز آزمون‌های مرسوم دانش‌آموزان را محک بزنیم، اما متأسفانه به دلیل تمرکز بر کتب درسی، غفلت از منابع و محیط‌های متنوع یادگیری و همچنین غفلت از پیوند زدن آموخته‌های داخل مدرسه و زندگی واقعی دانش‌آموزان، چنین امری محقق نشده‌است؛ موضوعی که رضوان حکیم‌زاده، معاون ابتدایی وزارت آموزش و پرورش بدان اشاره کرد و گفت: «ممکن است همه دانش‌آموزان نیاز نداشته‌باشند که ریاضیات و فیزیک را در سطح پیشرفته یاد بگیرند، اما قطعاً همه آن‌ها به مهارت‌های زندگی و مهارت‌های کنترل هیجان نیاز دارند، آن‌ها باید مسئولیت‌پذیری را یاد بگیرند تا در هر موقعیتی چه در اجتماع چه در جمع خانواده و چه در موقعیت‌های شغلی آینده‌شان به درستی عمل کنند.»

او ادامه داد: «اگر بخواهیم در میان محصلان، موفقیتی ایجاد کنیم، قطعاً باید روی مهارت‌آموزی و رویکرد کسب‌وکارگی‌هایشان تمرکز کنیم و نه حفظ کردن یکسری اطلاعات در ذهن‌شان. اگر این‌ها در برنامه‌های درسی ما وارد شود، خصوصاً در دوره ابتدایی (که رویکرد تلفیقی و پروژه‌محور دارد و حجم محفوظات کم است)، نتایج بهتری خواهیم گرفت.»

حکیم‌زاده با طرح یک پرسش نیز ادامات برنامه درسی را به رخ کشید: اینکه برنامه درسی تدوین شده چقدر مورد علاقه دانش‌آموزان است و آن‌ها تا چه میزان توانسته‌اند با محتوای برنامه درسی ارتباط بگیرند؟! بدون شک پاسخ به این سؤال، فاجعه رخ داده در نظام آموزشی کشور را به خوبی نشان می‌دهد!

هم کتب درسی ایراد دارد هم برنامه درسی

اشکالات در برنامه‌های درسی موجب انتقاد احمد محمودزاده، رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی نیز شده است. او هفته گذشته با حضور در یک برنامه تلویزیونی گفت: «ما تحول بنیادین از آموزش و پرورش برنامه درسی می‌خواهیم. این برنامه درسی که در مدارس اجرا می‌شود باید همه شاخص‌های لازمه را به صورت مستقیم و غیرمستقیم در خودش داشته باشد؛ یعنی یک نقشه راه که به صورت مستقیم در کتاب‌های درسی و بعضاً به صورت غیرمستقیم در قالب کارهایی به صورت پیوسته ـ مستمر بی‌درپی و گاهی با واگذاری به خود دانش‌آموزان باید وجود داشته‌باشد.»

به گفته این مقام مسئول، مشکلاتی هم در کتاب‌های درسی الان حاکم است، با این حال، اما او اظهار کرد: «نگاه ما به این است که در وزارت آموزش و پرورش ذیل برنامه درسی باشیم و نه کتاب درسی. اگر بتوانیم به این سمت حرکت کنیم که نوعاً جزو برنامه‌های وزیر آموزش و پرورش نیز هست، ما را به همه آنچه در اهداف سند تحول بنیادین وجود دارد، نزدیک‌تر خواهد کرد.»

محمودزاده معتقد است که مدارس غیردولتی به دلیل فرصتهایی که در اختیار دارند در این زمینه پیشتاز هستند. او در این رابطه اظهار داشت: «مدارس غیردولتی فوق برنامه درسی و غیردرسی دارند، برنامه‌های درسی نوعاً به پسردارش تکمیلی چرخه آموزش در داخل مدرسه است و عقوله برنامه‌های غیردرسی نیز مثال استفاده از فناوری‌های جدید، دیجیتال، هوش مصنوعی، مهارت‌های پایه، مهارت‌های زندگی، سواد مالی، سواد دیجیتال و فناوری است که مورد توجه قرار دارد. البته محتوای آموزشی این موضوعات حتماً باید تأیید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را داشته باشد، بخشی از این تأییدیه‌ها و محتوا هم در سایت خود سازمان وجود دارد از آن‌ها می‌توانند استفاده کنند و بخشی را هم که خودشان تولید کردند حتماً باید از سازمان پژوهش، مجوزش را بگیرند.»

ضرورت تغییر

ماجرا به قدری بیخ پیدا کرده که اواسط شهریورماه حجت‌الاسلام علی لطیفی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز به لزوم تغییرات در برنامه درسی اشاره کرد و گفت: «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی در پنج حوزه کلی فعالیت دارد حوزه نخست آن برنامه‌ریزی درسی است که قطعاً و بدون تردید مهم‌ترین حوزه مأموریتی سازمان است؛ تنظیم برنامه درسی و چارچوب‌هایی که براساس آن فعالیت‌ها در مدارس در تمامی سطوح اتفاق می‌افتد در دل آن مأموریت قرار دارد. اما متأسفانه برنامه درسی در نظام آموزشی ما آنطور که باید در وضع مناسبی قرار نگرفته است.»

او گفت: «ما معتقدیم که برنامه‌ریزی درسی بدون ترویج و اشاعه مناسب، زمینه اجرای درسی را نخواهد داشت. قطعاً بخشی از این فاصله باید به وسیله اشاعه از بین رود. با اهمیت این حوزه، اما گاهی این بخش سازمان در زمینه اشاعه نادیده گرفته شده‌است. ما در دوره جدید بنای خود را در سازمان گذاشته‌ایم که این بخش از سازمان را هم به‌صورت جدی‌تری پیگیری کنیم.»

معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با اشاره به ضرورت تغییر در فرهنگ برنامه درسی آموزش‌وپرورش اظهار کرد: «متعقدیم تحقق این مأموریت‌ها نیازمند تغییری در کل فرهنگ برنامه درسی آموزش‌وپرورش است و تغییر در فرهنگ از جمله سخت‌ترین تغییرها است. تغییرات سخت قطعاً نیازمند پشتیبانی شخص وزیر محترم آموزش‌وپرورش و همه کارکنان آموزش‌وپرورش است.»

نیاز به فکر گسترده و عزم کافی داریم

به نظر می‌رسد گفتار برخی از مسئولان حوزه آموزش و پرورش با رفتار آن‌ها تناقض دارد. در حالی که آن‌ها از ابرادات کتب درسی و برنامه درسی صحبت می‌کنند، اما آزمون‌ها و سنجش دانش‌آموزان بر اساس همان برنامه پر ایراد انجام می‌شود. در چنین شرایطی اگر حتی معلمی بخواهد، برنامه‌ای در کلاس درس و متناسب با محیط دانش‌آموزان دست و پا گشته است، آخر هم آن معلم و هم دانش‌آموزانش، مغموم خواهند شد؛ چراکه پس از گذر از آزمون‌های تعیین‌شده در نظام یافت که هیچ کدام از سنجش‌های انجام‌شده براساس نوع آموزش داده شده نیست؛ متأسفانه هیچ‌گاه دست مدارس و معلمان را در ارائه آموزش مهارت‌های پایه و مهارت‌های زندگی باز نگذاشته‌ایم که امروز از تجارب آن‌ها و بهترین برنامه‌هایی که استفاده کرده‌اند، برداشت کنیم. بدون شک تغییرات برنامه درسی بر اساس نیازهای روز جامعه یک فکر گسترده و یک عزم کافی می‌خواهد. این تغییری است که باید هر چه سریع‌تر انجام شود و در این زمینه معلمان بهترین مشاوران خواهند بود.

دیدگاه

راهبرد موفق حزب الله در برابر تاکتیک موفق اسرائیل

مقاومت در ۱۲ ماه گذشته با صبر و حوصله و سلاح‌های تاکتیکی و ارزان قیمت قدیمی و غیرپیشرفته موفق شده بود شهرها و مناطق تا عمق ۲۰ کیلومتری مرز لبنان را از حضور اشغالگران تخلیه کند و بعد از عملیات‌های تروریستی اخیر نیز در تلاش است تا این راهبرد را به عمق ۵۰ کیلومتر گسترش دهد.

کسی تردید ندارد که اسرائیل چند عملیات موفق امنیتی را در لبنان انجام داد، از انفجار پیجرها تا ترور فرماندهان رضوان.

اما اسرائیل از این ترورها، مقصود دیگری را دنبال می کرد و آن توقف حملات و فشارهای حزب‌الله به جبهه شمالی فلسطین اشغالی بود. در واقع این عملیات‌ها صرفا برای تلفات گیری از دشمنان اسرائیل انجام نشدند؛ تحلیل سران صهیونیست این بود که حزب الله پس دریافت ضربات مزبور عقب نشینی می کند، زیرا گمان داشتند این ضربات آثار راهبردی بر مقاومت لبنان خواهد داشت.

اما حزب‌الله مثل همیشه با حوصله و هوشمندانه راهبرد خاص خود را تعقیب کرد و آن گسترش دامنه و کیفیت حملات به شمال فلسطین و جبهه داخلی صهیونیست‌ها بود.

مقاومت در ۱۲ ماه گذشته با صبر و حوصله و سلاح‌های تاکتیکی و ارزان قیمت قدیمی و غیرپیشرفته موفق شده بود شهرها و مناطق تا عمق ۲۰ کیلومتری مرز لبنان را از حضور اشغالگران تخلیه کند و بعد از عملیات‌های تروریستی اخیر نیز در تلاش است تا این راهبرد را به عمق ۵۰ کیلومتر گسترش دهد.

در جنگ ۳۳ روزه نیز حزب الله در برابر موج وحشیانه حملات اسرائیل، به تدریج و با خونسردی عملیات‌های راکتی خود را آغاز کرد و از کریات شمونه به تدریج به عکا، حیفا، صفد، عقوله و ... رسید.

اگر حزب الله بتواند این وضعیت را تثبیت کند و تا عمق ۵۰ کیلومتری را به طور روزانه زیر آتش بگیرد، عملا زندگی در یک سوم کشور (جعلی) اسرائیل را فلج کرده است و این چیزی نیست که صهیونیست‌ها بتوانند آن را تحمل کنند؛ در واکنش به این وضعیت آنها ۲ راه دارند؛ اول عقب نشینی از غزه و پذیرفتن شروط مقاومت، و دوم تشدید تنش با حزب الله که احتمالا روند تحولات به سمت سناریوی دوم برود.

با فرض تشدید حملات به حزب الله، باید گفت اسرائیل تقریبا هر سلاحی که در زرادخانه خود داشته (به جز بمب اتم) را در حملات اخیر به کار گیری کرده است؛ یعنی بمب‌های سنگرشکن یک تنی پلیشتر.

اما مقاومت لبنان تنها به راکت‌های بر کلن، کاتیوشا و فادی ۱ و ۲ بسنده کرده اما همین پرتابه‌ها نیز علاوه بر عیور از سد گنبد آهنین، خسارات قابل توجهی به اسرائیلی‌ها زده و خواهد زد.

همچنین در وضعیت تنش بیشتر ، احتمالا حزب الله از تسلیحاتی استفاده کند که قواعد نبرد را تغییر دهد ؛ موشک‌های خاورده فاتح ۱۱۰ و فتح ۳۶۰ از آن جمله اند.

بنابراین اسرائیلی‌ها خوب می دانند که مقاومت لبنان نیروهای زیادی در جبته دارد که هنوز شلیک نکرده و عمده علت اختلاف نتانیاهو با اگری چون گالانت نیز همین نکته است.

اگر حزب الله تحت فشار قرار گیرد و اراده کند، می تواند، با لایشگاه‌های اسرائیل ، مراکز آب شیرین کن و نیروگاه‌های برق و هرچیزی که به زندگی صهیونیست‌ها مرتبط است را به موشک‌های نقطه‌زن به راحتی منهدم سازد.

در نتیجه به باور نگارنده، اسرائیل باید انتخاب‌های سختی انجام دهد که از جمله آن می توان به حمله زمینی اشاره کرد که البته این گزینه از آروزهای مقاومت لبنان به شمار می رود.

حزب الله در جنگ زمینی (برخلاف آسمان) با توجه به اتخاذ راهبردهای چریکی، نه تنها از اسرائیل عقب نیست بلکه در مواردی برتری هم دارد و چه‌قرائنی که هوستانی و جنگلی جنوب لبنان نیز کاملا برای این نوع از نبرد مستعد بوده و مسلح شده است.

پس اگر اسرائیل به حمله زمینی مبادرت کند، تلفات سنگینی و افسرای زیادی خواهد داد و نیز بعید است به اهداف خود برسد.

تجربه ماههای اخیر نیز به وضوح عیان کرده که رژیم صهیونیستی از طریق بمباران هوایی صرف، نمی تواند حملات راکتی مقاومت لبنان را متوقف نماید.

بنابراین در آخر باید این نکته را تصریح نمود که اگرچه تاکتیک‌های اسرائیل تا حدی موفق بوده اما در نتیجه و راهبرد، حزب الله هنوز بر اسرائیل چیرگی دارد و اصرار نتانیاهو بر ادامه نبرد، رژیم صهیونیستی را بیشتر در باتلاق فرو می برد.

علیرضا ثقوی نیا

